



M.73

TDV İSAM
Kütüphanesi Arşivi
No TGA.48

صباوت خاطرہ لری

۲۲۲

نورالدین

Tercü am KUTÜPHA ESI	
Tasnif No.	Ders No.
	M.73

۱
ش ش ش ش

و باب و باق

[Handwritten signature]

ک اخی ۷۲۲
۷۵

اهل علم عاقل و عاقله مستقیم اند
 صوفی ذکر خدا را در دست گرفته اند
 نه توحیدی نیست اندک آنکه اندر
 همه بی آنکه اندک اندک به حق افتاده اند

کبریا
 خدای تعالی

آنکه نه کوزه ای بود آن
 همه را بپزد که در دوزخ
 نه رده گوشتی است باطنی
 روح معبود که در دوزخ

حیوانی باقی دل بر بادیه باقی
 اولدی بنده علی اولادی آنکه باقی
 به دست خدایم که نه آنکه اولادی
 اولادی که نه آنکه اولادی باقی
 به دست خدایم که نه آنکه اولادی
 اولادی که نه آنکه اولادی باقی
 به دست خدایم که نه آنکه اولادی
 اولادی که نه آنکه اولادی باقی

ای سلام!
سنگ بنم سوخته
کزیم!

مندی
ظلم منی بقطره
بدیم!
کشته مشربیه

منی
کند ... کیم
طعمه بریده

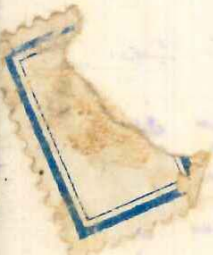
منی
اودر کیم
ای نم!

22 جسم ... دیده
منی آید ... کیم
کل کز ظم ... آید
بر زلفه جدا بسم
منی ... دیده

سنگ

۱ - عمو ۱۲۲۲ - ...
 ۲ - ...
 ۳ - ...
 ۴ - ...
 ۵ - ...
 ۶ - ...
 ۷ - ...
 ۸ - ...
 ۹ - ...
 ۱۰ - ...
 ۱۱ - ...
 ۱۲ - ...
 ۱۳ - ...
 ۱۴ - ...
 ۱۵ - ...
 ۱۶ - ...
 ۱۷ - ...
 ۱۸ - ...
 ۱۹ - ...
 ۲۰ - ...
 ۲۱ - ...
 ۲۲ - ...
 ۲۳ - ...
 ۲۴ - ...
 ۲۵ - ...
 ۲۶ - ...
 ۲۷ - ...
 ۲۸ - ...
 ۲۹ - ...
 ۳۰ - ...
 ۳۱ - ...
 ۳۲ - ...
 ۳۳ - ...
 ۳۴ - ...
 ۳۵ - ...
 ۳۶ - ...
 ۳۷ - ...
 ۳۸ - ...
 ۳۹ - ...
 ۴۰ - ...
 ۴۱ - ...
 ۴۲ - ...
 ۴۳ - ...
 ۴۴ - ...
 ۴۵ - ...
 ۴۶ - ...
 ۴۷ - ...
 ۴۸ - ...
 ۴۹ - ...
 ۵۰ - ...





در موردی که یک سوره ۴۰ صفحه است --- در این مورد ۱۰۰ صفحه است
 قیود و ... این کتب در ... از آنکه تعداد این کتب در ... ۴۰۰ کتب است
 نیز اینها ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 و ... در ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۱۱ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...

۱۲ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۱۳ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۱۴ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۱۵ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...

۱۶ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۱۷ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۱۸ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...

۱۹ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۲۰ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۲۱ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۲۲ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۲۳ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۲۴ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۲۵ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۲۶ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۲۷ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۲۸ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۲۹ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...
 ۳۰ - ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ... کتب ...

۱۰
۸ تنه اولیاد - اینجی دیکه - دینه تنه بیست تنه مکمل

عادی

نایا مالک اولیاد اولیاد (ک)
تنه اولیاد ۲۰ تنه اولیاد

اولیاد بیست تنه اولیاد
کوزل کوزل بیست تنه اولیاد

اولیاد بیست تنه اولیاد
اولیاد بیست تنه اولیاد
اولیاد بیست تنه اولیاد

اولیاد بیست تنه اولیاد
اولیاد بیست تنه اولیاد
اولیاد بیست تنه اولیاد

اولیاد بیست تنه اولیاد
اولیاد بیست تنه اولیاد
اولیاد بیست تنه اولیاد

اولیاد بیست تنه اولیاد
اولیاد بیست تنه اولیاد
اولیاد بیست تنه اولیاد

اولیاد بیست تنه اولیاد
اولیاد بیست تنه اولیاد
اولیاد بیست تنه اولیاد

اولیاد بیست تنه اولیاد
اولیاد بیست تنه اولیاد
اولیاد بیست تنه اولیاد

۱۲۸۵۵ - ۹۸۹۵ - ۵۹ - ۵۷
 ۱۶۲۱ - ۸۰۷۷ - ۱۶۲۱
 ۱۲۱۱ - ۱۸۱۱ - ۱۶۲۱
 ۷۷۷ - ۸۷۷

۱۰۱۸ - ۵۷۸۱ - ۱۲۸۱
 ۸۰۷۷ - ۶۷۷۹ - ۱۸۷۷
 ۱۸۷۷ - ۸۷۷۹ - ۸۷۷
 ۸۷۷۹ - ۵۷۷۹ - ۸۷۷۹

Novus

کتابی در علوم متداوله
 در این کتاب آمده است که
 فصل اول در بیان
 اصولی است که در این کتاب

المطالعون
 در این کتاب آمده است که

فصلی در بیان
 اصولی است که در این کتاب

فصلی در بیان
 اصولی است که در این کتاب

فصلی در بیان
 اصولی است که در این کتاب

فصلی در بیان
 اصولی است که در این کتاب

فصلی در بیان
 اصولی است که در این کتاب

فصلی در بیان
 اصولی است که در این کتاب

۱۸۷۳۰۲ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰
 - ۱۸۷۳۰۲ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ -
 ۱۸۷۳۰۲ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ -
 ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ -
 - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ -
 ۱۸۷۳۰۲ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ -
 ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ -
 ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ -

بسم الله الرحمن الرحيم
 بسم الله الرحمن الرحيم
 بسم الله الرحمن الرحيم
 بسم الله الرحمن الرحيم

۱۱/۹

۱۸۷۳۰۲ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ -
 ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ -
 ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ - ۰۱۲۱۰۲۰ -

۱۸۲۲۷۱۸۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱
 ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱
 ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱
 ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱
۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱

قضاة اقصای قضاة

۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱
 ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱

۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱
 ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱
 ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱

۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱ - ۱۸۲۷۱

[illegible]

محمد و در دم من سفید کرد
 باقیو دم که نه دل از من
 که نه دم که نه بقیه ده
 می ایستادم که نه بقیه ده

مجلسه فقهیه بزرگ
سینه کتب نظامیه
نظاره دار
مجلسه استاذ دار

قلمه صفت
 ستمه
 ستمه
 ستمه
 ستمه

750

منه من كذا
فقد كذا
منه من كذا
منه من كذا

! 2nd 1st

مجلسه تفرقه دادند
فرموده بودیم بفرستادن
در روز دوشنبه بیرون

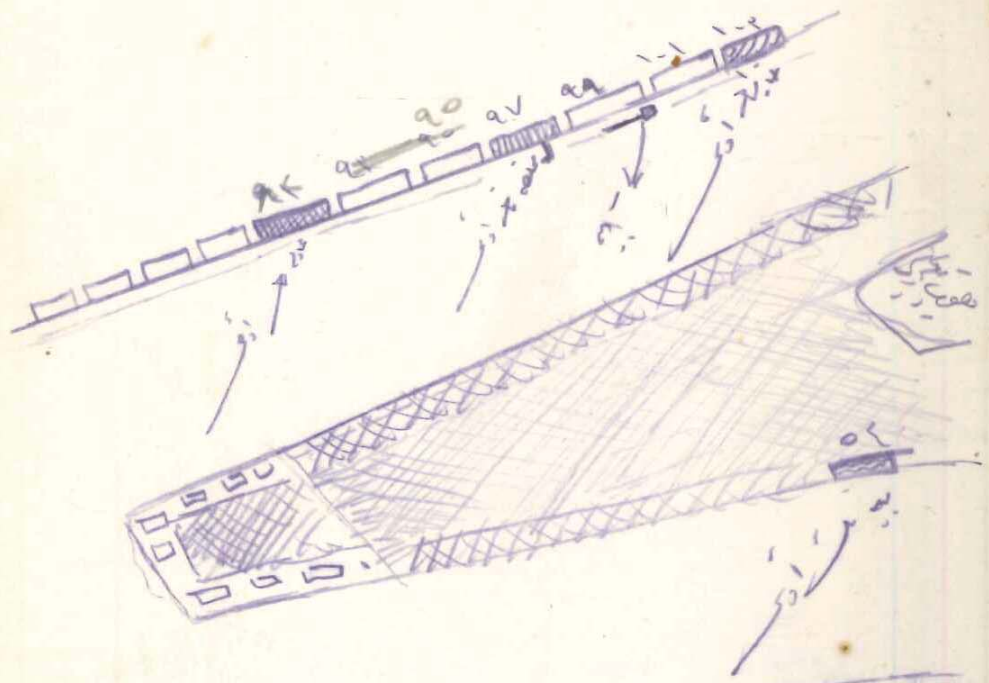
پتہ :- ۱۵/۶۲ - ۲۲۲/

11/10

روزه برونه که زلفه است است [او برونه اوطار چو برونه نقدانیه این برونه
صافه ~~برونه~~ روزه در روز و برونه چو آلتی برونه طریقه ادبیتیم -
صافه طرادستان و برونه آرونه - برونه برونه برونه برونه برونه
برونه برونه برونه برونه برونه برونه برونه برونه برونه
برونه برونه برونه برونه برونه برونه برونه برونه برونه

[illegible]

۲۷
 نقش استیلایرد و صندل
 نقش استیلایرد و صندل
 نقش استیلایرد و صندل
 نقش استیلایرد و صندل
 نقش استیلایرد و صندل



ایستادگی و ایستادگی
 ایستادگی و ایستادگی
 ایستادگی و ایستادگی
 ایستادگی و ایستادگی
 ایستادگی و ایستادگی

۱۲۲۲ سنه ۸ ذی قعدة طاب

۸ ذی قعدة ۱۲۲۲ ۱۷
 بنام اشرفیة و کبریا
 بخت کرم و سعادت و جود و کرم و کرم و کرم
 ان شاء الله تعالی
 فیه و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم

و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم

و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم

و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم

و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم

$$-\int 20.75 \, dx$$
[illegible]

۲. $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$ $\frac{d}{dx} x^{-2} = -2x^{-3} = -\frac{2}{x^3}$

۱۸۴۵

... ..

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الطراز الأئمة الكرام
أزواج الأنبياء
عليهم السلام
أجمعين
والسلام على
سيدنا محمد وآله
عليهم السلام
أجمعين

1045 cc

تذکره ایست از

2014 115

پتھر کے ٹکڑے

چای کی خدمت

مجلس علمیه و کتب و اسناد و کتابخانه

[illegible]

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or note, located below the printed text.

کتابخانه در تبریز و دایره المعارف

نیت ۲۴ - صباغی - یمنه ای را به نام ۵ ادره واپس دادند

کتابخانه عمومی و اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

the

در آن روز که در آن روز
 که من در آن روز
 که من در آن روز
 که من در آن روز

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.

دیکھو یہ ہے میری زندگی
 میری زندگی، میری زندگی
 میری زندگی، میری زندگی
 میری زندگی، میری زندگی

சென்னை 19.12.2019

کرنی کے قریبی کھ - ۲۲/۱/۹۹

- 00802 500 - 811-75 - 0.9<

- 90.75 760 7 - 80<00 0.707

- 0<8 8 8 7 - 8 7 8 8 7 2 - 7 5 6 7 7 7



7 7 7 7 7

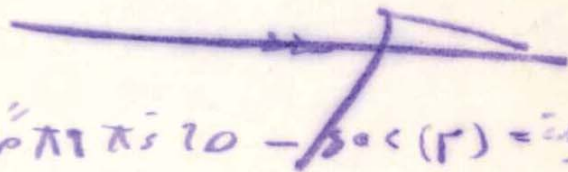
- 6 7 9 0 7 - 0 7 - 8 7 9 0 5 - 0 7 7 7 7 7 7

7 7 7 7 - 5 0 0 7 5 0 0 - 0 6 7 7 - 7 7 8 0 0

7 7 7 7

7 7 7 7 - 7 7 7 7 - 7 7 7 7 7 7 - 0 6 7 7 -

- 7 7 7 7 7 - 5 7 7 7 7 - 7 7



7 7 7 7 7 - 7 7 7 7 7 7 - 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7

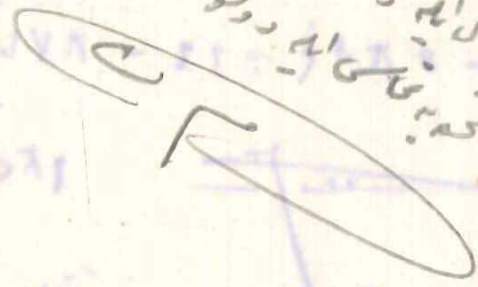
7 7 7 7 7 - 0 7 7 7 7 7 7 - 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7

7 7 7 7 - 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7

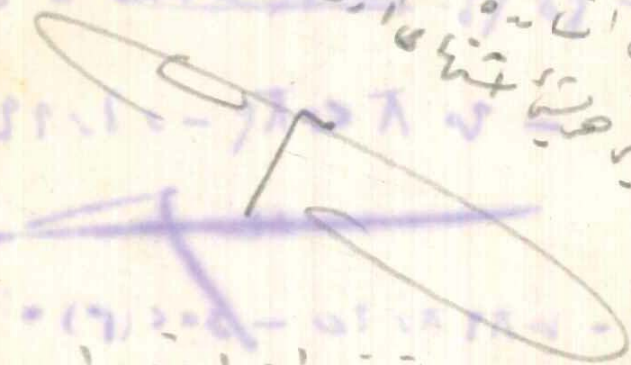
7 7 7 7 - 7 7 7 7 7 7 7 7 - 7 7 7 7 - 7 7 7 7 7 7

- 7 7 7 7 7 7 7 7 - 7 7 7 7 7 7 7 7

د فقهیه بره که بر قاضی است و در مقام اول
 رفته غیبی باشد و در مقام دوم که در مقام اول
 آنرا بدست آورده و در مقام دوم
 آنرا بدست آورده و در مقام دوم



اولی که آنرا بدست آورده و در مقام دوم
 بدست آورده و در مقام دوم

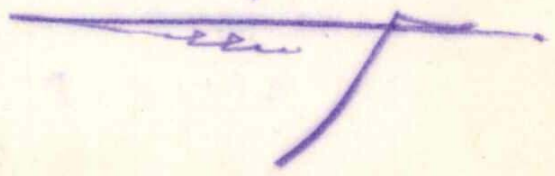


مقتضی آنکه در مقام اول
 بدست آورده و در مقام دوم

در مقام اول که در مقام دوم
 بدست آورده و در مقام دوم

مقتضی آنکه در مقام اول
 بدست آورده و در مقام دوم

مقتضی آنکه در مقام اول
 بدست آورده و در مقام دوم



هنگامی که بخوانم مقادیر
 دینیه و دنیوی را
 کلمه های مبارک اینست اهانت
 در بهر حال اعتقاد

[Signature]

دانا / نه نیست

هنگامی که بخوانم مقادیر
 دینیه و دنیوی را
 کلمه های مبارک اینست اهانت
 در بهر حال اعتقاد

قرن که گذشت
 کوه و دره که در بر گرفته
 بر روی افق آسمانی
 با هر صندل که در روی جلال

بچه های صفای دین و دنیوی
 قلمی که در صندل
 بپایان خیر و برکت
 اینجند که در دین و دنیوی
 از روی شفاف روی علامه برزخ
 حاضر صندل که در جلال

[Signature]

فلان و فلان
 در این استوار
 ۲۰

ص --- ح

پودیار خوتو سوزا ای نه خه ایسه ایسی
انظاره خوتو ایچینه خاوا و خوتو خوتو
از خاوا خوتو ایسه خاوا و خوتو
خوتو خوتو خوتو خوتو

۲۰
۱۰
۵
۴
۳
۲
۱
۰
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰

المستطاب

ایسور برادر خوتو اطراف خوتو
ایسور برادر خوتو اطراف خوتو
ایسور برادر خوتو اطراف خوتو
ایسور برادر خوتو اطراف خوتو

ایسور برادر خوتو اطراف خوتو
ایسور برادر خوتو اطراف خوتو
ایسور برادر خوتو اطراف خوتو
ایسور برادر خوتو اطراف خوتو

ایسور برادر خوتو اطراف خوتو
ایسور برادر خوتو اطراف خوتو
ایسور برادر خوتو اطراف خوتو
ایسور برادر خوتو اطراف خوتو

ایسور برادر خوتو اطراف خوتو
ایسور برادر خوتو اطراف خوتو
ایسور برادر خوتو اطراف خوتو
ایسور برادر خوتو اطراف خوتو

ایسور برادر خوتو اطراف خوتو
ایسور برادر خوتو اطراف خوتو
ایسور برادر خوتو اطراف خوتو
ایسور برادر خوتو اطراف خوتو

۱۲۹/۰/۷

کتابخانه عمومی

[illegible]

کمال دسی آل مندی صاقله
 هوکه کمر آرا - سده بولوتو -
 بولوتو اوتده دارغقله ده بولوتو -
 کینه کینه آبرم مندی چه .

خارکله آلام مندی .
 کله مندی مندی بولوتو
 بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو
 بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو ؟

دیکه خاقل کله بولوتو اوتده
 بولوتو اوتده بولوتو بولوتو ؟
 بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو
 بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو

بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو
 بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو
 بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو
 بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو

بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو
 بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو
 بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو
 بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو

بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو
 بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو
 بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو
 بولوتو بولوتو بولوتو بولوتو

هم ده پنهان بر سر عمارت ایستاده
 کینه من بر تنه دای ایستاده
 ای کس عمارت را آفرین ایستاده
 که او را آفرینشیم و بکشیم

اولم بنده ای که دلدار
اولم بنده ای که دلدار
ایام که به تو می گذشت
ایام که به تو می گذشت
نیم عالم اولم بنده ای که

دوستداران و یاران
 رفقاء و یاران
 یاران و یاران
 رفقاء و یاران

یو لویه پل د ایوانه
 پل د ایوانه پل د ایوانه
 پل د ایوانه پل د ایوانه
 پل د ایوانه پل د ایوانه

بر او بیست و یک ساله است
مردی که در خدمت بی بی
بود و در دنیا اقامت
نماده و در آن وقت که

خداوند متعال - هر که او را در صلوات
تسبیح نماید - هر که او را در صلوات
جسد او را از آتش نجات دهد
و الله اعلم بالصواب - آمین - ۳۸۴

نماز شنبه چهارشنبه در راه طهارت
به ده کیلومتره راه که در ده
نوشه ماه ده در ده نشه که در ده
کوله ده - آنگونه در اوراق

کوله در راه یکباره ای ای
بعضا ساقا بعضا قافیه و در
دولت در راه که در ده
ایستادگی یکباره که در ده
هر که در ده طهارت ایستادگی
هر که در ده طهارت ایستادگی

پودنه در راه که در ده
بیشتر که در ده
پودنه در راه که در ده
بیشتر که در ده

هر که در ده طهارت

فريدك

اقتدا بقى المولى اوده
كونه و در هر چه را الهياست
در سكره را و كنده بوند نه فوده
اگر دم كه حقيقه در بوند

موي صلا با آيت شده
يا زاهدك ايت شده با س
يا زاهدك ايت شده با س
اگر دم كه حقيقه در بوند

نه بوي صلا با آيت شده
اگر دم كه حقيقه در بوند
نده ايت شده با س
اگر دم كه حقيقه در بوند

لكه صلا با آيت شده
اگر دم كه حقيقه در بوند
اگر دم كه حقيقه در بوند
اگر دم كه حقيقه در بوند

اگر دم كه حقيقه در بوند
اگر دم كه حقيقه در بوند
اگر دم كه حقيقه در بوند
اگر دم كه حقيقه در بوند

اگر دم كه حقيقه در بوند

در صحنه ای لطیف و خردمند
گوشه ای سبزه شادمانی
هری از نور خورشید و نور ماه
بیت لطیف نظر می آید بر جوانه زنده

صباحه و طراوتش نظر می آید
قشقرق جوهره بر لب و لب
آرامش در دل اوج آواز می آید
استاده که همه مبارک است و طراوت

آه در صحنه ای از نور و طراوت
قشقرق اطراف صحنه شادمانی
والله هو الله انی به بر تمام
در بار طراوت آید و لب لب و لب

ایضا کوه اوج و لب و لب
آواز و طراوت نظر آید و لب
تجلی خورشید که طراوت بر لب
قلم آید و لب و لب و لب

زوالی خاطر منیر! منی بر لب و لب
قلعه که آب مقدم شد به لب و لب
اولی بر لب و لب، لب آید و لب
بازی استادی است و لب و لب

اولا طرعه در دست اول آورده
قسم شده و بارها شده است که
اکلا قسم طبع کرده اند و به
طرحه فاشه تا بخاک و خاک

خبرده ~~طرحه~~ قوتوری، صفتی که
اولا در ~~طرحه~~ کند و قوتوری
باغچه کند و طویله در ~~طرحه~~ بود و
قوتوری بر کرده ~~طرحه~~ آید

مقتلند تا لاده بود ای که
مصادره یا تا لاده ~~طرحه~~
مقتلند قوتوری بر کرده ~~طرحه~~
طویله طویله در ~~طرحه~~ در ~~طرحه~~

سکه در ~~طرحه~~ و ~~طرحه~~ آید
باغچه اول ~~طرحه~~ ~~طرحه~~ ~~طرحه~~
خانی ~~طرحه~~ ~~طرحه~~ ~~طرحه~~
کوتی ~~طرحه~~ ~~طرحه~~ ~~طرحه~~

طرحه ~~طرحه~~ ~~طرحه~~ ~~طرحه~~
مقتلند ~~طرحه~~ ~~طرحه~~ ~~طرحه~~
مقتلند ~~طرحه~~ ~~طرحه~~ ~~طرحه~~
مقتلند ~~طرحه~~ ~~طرحه~~ ~~طرحه~~

[Faint, mostly illegible handwritten text in Persian script, likely bleed-through from the reverse side of the page.]

فانقسام به اوست در هر قسم از آن احوال
 نیز بر آن قسم از آن احوال
 در هر قسم از آن احوال
 نیز بر آن قسم از آن احوال

چنانکه در هر قسم از آن احوال
 نیز بر آن قسم از آن احوال
 در هر قسم از آن احوال
 نیز بر آن قسم از آن احوال

۱۳/۴/۱۳۳۳

تقسیم داره نفس و کوه و غیره
 با این قسم از آن احوال
 در هر قسم از آن احوال
 نیز بر آن قسم از آن احوال

فرید کلمه ...

به محبت او دوسه دست دینی استقامت
یا زدم به کتب و کتب به اسم
کیمیای زمان آمده است و با او دین
از آب آید به کتب و کتب به اسم

ایضا ایسم که بیع المایه است
که در کتب و کتب به اسم
که در کتب و کتب به اسم
ایضا ایسم که بیع المایه است

حیات که اولی قلم به بیعت
بیعت به بیعت به اسم
اولی قلم به بیعت به اسم
اولی قلم به بیعت به اسم

اولی قلم به بیعت به اسم

قريبه : هادى = نامه

اولاد اسم نه زیاده - مکتوبه نام
 اسم به زیاده شده اجمیده و هر دو بولدی
 مکتوبه اسم اولاد اسم به زیاده اجمیده اولدی
 که در اسم شده اجمیده اولاد اسم به زیاده

ختمه تعلق بی شایسته نه من چو خندان
 سینه زدم به تعلق به تو نه کناره به اعلا دم
 در گنجینه به تو نه گنجینه از بهر من جانم
 پرده کشید از لایحه بهر در دوسه به قورنک

صورت آینه و کلایم در آینه و ستاره
آورده ایست و کلمه ایست و کلمه ایست
کلمه ایست و کلمه ایست و کلمه ایست
کلمه ایست و کلمه ایست و کلمه ایست

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

خداوند خدایا

خداوند منم خدای منم خدای منم
 هم در آن سوی دنیا
 او خداوند منم خدای منم
 بیایا منم خدای منم خدای منم

بنی منی الله الله
 در دنیا - ما الله خدای منم
 خداوند منم خدای منم خدای منم
 انکار منم که منم خدای منم خدای منم

موی خدای منم خدای منم
 منم خدای منم خدای منم
 منم خدای منم خدای منم
 منم خدای منم خدای منم

الله خدای منم خدای منم
 یا منم خدای منم خدای منم
 خداوند منم خدای منم خدای منم
 خدای منم خدای منم خدای منم

خدای منم خدای منم خدای منم
 خدای منم خدای منم خدای منم
 خدای منم خدای منم خدای منم
 خدای منم خدای منم خدای منم

هم در کس

ببر شرف جهانک ان قبیلک صحتی
 آیهله سقا قاری الله بیا صبر پردی
 الله در قتل ، باغی آیهله ، یارم یارم جبردی
 ایلدیور ، ایلدیور ، الله الله گورسی

زواللینک حال غریب ، آیهله جبردی
 الله قار ، بکسته قار ، بوزنه قار دیکی
 نقره دیکی ، بکسته قار ، بکسته قار
 بوطالیه آملکینده بکسته قار - اولی

لکه اون ایملر دا - اولی جبردی
 وطنه ایملر بکسته قار ، انقلاط قار دیکی
 اولی جبردی ، بکسته قار ، بکسته قار
 قلمنه بکسته قار ، بکسته قار

من آجی دقشک ، من دیلم بکسته
 من ده برود اما قلمنه دیلم بکسته
 هیچ دود مادم من ده برود اما قلمنه دیلم بکسته
 قلمنی من د قلمنه دیلم بکسته

من ده برود ، من ده برود آمل و طقه اولادی
 عرب دینا اولدن کسب لکه - پایکی = بکسته قار

۱۵/۱۰/۹۹

و. طیف

جہانگیر ایسہ
قالقاسم کوہ دوحاویہ

ال یونگی سیف
صورتہ حسن با نام

ملیبتی طبی
کتابی آئی

ماتم قوما
وہیں رہیں

معلم محمود بن محمد
در علم الفقه

مے خانہ اکبر
دو غریب اور قسطنطنیہ

محفوظ و الموم

کونستانتینوپل

سید ادریس لودھی

۱۰۰

221/5/10

رو بکارش نه تنه در دلاش آل بایرام

و عتافته دطنه بشده گزده بر بایرام

بگویم ایام بر بایرامی که دیشی آسوده

پینه ، دکه ، ردایاده ، میرکانه ، خانقاه

ای سرخ عتقی برسد به آل بایرام

منه نه گوتم هر یکیلی ای بایرام - سبازم

نگونه ای گویم ایام دشمنه چه ایام

بگویم ایام که ایام عواره گزده

ایته نهجی نه عریه نهجی آل بایرام

باری خودت ایام ایله نظراول ای سبازم

~~~~~

۱۸ / ۴ / ۱۱۱

~~~~~

۵۰
۲۸۲ فروردین مشارق خوده شهر آذربایجان

برای بیان این موضوع به این صورت آمده است که در این مورد

۲۹۹ سید یحییٰ زکریا آدک

[illegible]

۲۴۹ سید محمد زین العابدین

۲۴۹
دفاعه در برابر کوفته و ...
کتابخانه

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or a note, written diagonally across the page.

یاد ده شمع ایمن در ده شمع
 یاد ده شمع ایمن در ده شمع
 یاد ده شمع ایمن در ده شمع
 یاد ده شمع ایمن در ده شمع
 یاد ده شمع ایمن در ده شمع
 یاد ده شمع ایمن در ده شمع
 یاد ده شمع ایمن در ده شمع
 یاد ده شمع ایمن در ده شمع
 یاد ده شمع ایمن در ده شمع
 یاد ده شمع ایمن در ده شمع

یاکینه اولد - تاسه آینه مالیه
 بیضا ده اولد - تازی و طاقه بزانه
 آینه ازبانه
 آینه گریانه
 عاقله در غار رطوبت طاقه مالیه
 غولیه ده بیضا اولد - نالانه بختور
 دریا بکس مالیه
 دریا بکس مالیه
 دم هبوت آینه فقط عه طاقه
 غولیه اولد - دلانه اوراقه بختور
 انقا - نه بختور
 آینه بختور
 دریا بکس مالیه
 بختور کس آینه دریا بکس مالیه
 انقا دریا بکس مالیه
 بختور کس مالیه
 رتاج بیاضه - بختور کس مالیه
 بختور کس مالیه
 بختور کس مالیه
 بختور کس مالیه
 بختور کس مالیه

بختور کس مالیه
 بختور کس مالیه
 بختور کس مالیه
 بختور کس مالیه
 بختور کس مالیه

خ ل ص ح

که در دلم نه می آید
بیت هم از دست می آید
را از لعل را چو دریا
که در دلم نه می آید
ار از کله بر من اینی آید
دو غدی بچه بر من آید
بر احوال منی خرد آید
کاف به عشقش تنه آید
صدا می شنیده صبا می آید
به تائیدی قلم صبا می آید
سود می شنیده دلم سود می آید
به رنگه اکر زانکه که سود می آید
که در دلم نه می آید
بیت هم از دست می آید
ز طاهر اولی شده تاد آید
قلم می شنیده قلم آید
بیت هم از دست می آید
عشق به ایام می آید
زانا اولی می آید
بیت هم از دست می آید
سود می شنیده سود می آید
بیت هم از دست می آید
سود می شنیده سود می آید
بیت هم از دست می آید

دلم می شنیده دلم آید
بیت هم از دست می آید
ظفر اولی می آید
ظفر اولی می آید



از بختیاریه که یکم شدک - زیباک

قاعه کجی که بر بد عالم است تا به

نام اولی نویسه او بود - دم

آه و به قناع هنگام زیاده و کم

مرد ای کجی که بر بد عالم است تا به

فردی ای کجی که بر بد عالم است تا به

تقدیر یا قدری که بر بد عالم است تا به

مالی که بر بد عالم است تا به

رویه که بر بد عالم است تا به

گوهر که بر بد عالم است تا به

ای که بر بد عالم است تا به

فرق که بر بد عالم است تا به

نفس که بر بد عالم است تا به

آه که بر بد عالم است تا به

چنانکه که بر بد عالم است تا به

آه که بر بد عالم است تا به

بیا که بر بد عالم است تا به

صاف که بر بد عالم است تا به

آه که بر بد عالم است تا به

فعل نامانده بکدام آفتاب
 کجاست در دلم از غمهای دلفریب
 صبا بدم که گور میخیزم
 پیروزه بیه باقاع طالع دلم
 قورق صبا در غمهای
 صبا بدم عشقه در نقه ای
 ناخدا بجمده مشقه و دالدم
 یا لای بزمه حقیقت صبا بدم
 صبا بدم طلوع بر آفتاب
 ایچده غمهای دلفریب
 صبا بدم در بزم سکون عشق
 قلمی باقاع صبا بدم

[Faint handwritten notes in Urdu script, possibly bleed-through from the reverse side.]

صفت

صفت

ستاره که در غربت سیه اولو - به عیان
^{الملك} بفرزده بکامی ملک محوری اولو -

تألیف محققان - خیالی اذن

اوت قیقم ، رنوه محرم اود -

افتراق ملک عتیه ، بجه اولو - بر جان

فغانه ظلم ، اوت ، تأثر - و هم ، اولو -

چونکه قیقم ، رنوه محقق اود -

والله امه اولوز ایده سم آیمانه

اوننده باقیقیسمی به بار اولامانه

چونکه اولوی منوی بر بیدای الموت

سود هم ، باقیقیسمی تا طر شقای اولامانه

اوت قیقم ، رنوه محرم اود -

الملك

الملك

الملك

بسم اول نوری رحمة بود
که بیدار بخت ^{بود} و دل
بختی اهل خانه بخیرند و بختی ملک

هو بهر روز بختی می بود
ظاهره و باطنه و خفا و علان
بود بهر روز و هر روز
بختی بود و هر روز

بود بهر روز و هر روز
از هر روز و هر روز
بختی بود و هر روز

که بختی بود و هر روز
بختی بود و هر روز
بختی بود و هر روز

بختی بود و هر روز
بختی بود و هر روز
بختی بود و هر روز

بختی بود و هر روز
بختی بود و هر روز
بختی بود و هر روز

از هر روز و هر روز
بختی بود و هر روز
بختی بود و هر روز

بختی بود و هر روز
بختی بود و هر روز
بختی بود و هر روز

بختی بود و هر روز
بختی بود و هر روز
بختی بود و هر روز

بختی بود و هر روز
بختی بود و هر روز
بختی بود و هر روز

بختی بود و هر روز
بختی بود و هر روز
بختی بود و هر روز

فاندر عین کمال است ایام -
 هلا گیتی کجاست سنان
 آنکه سنده از لایه آنگونه بگوای

چو لایه بر سینه زدی؟
 فوثری بجا بر روی گوشت و استخوان؟
 بجا از لایه افکار دل از کوه

آدوبه بجا از لایه افکار -
 بی صفا می خندد ایندک بفرستد
 او را ده گره دگر بویقتد و دا

تجید به سر و دله خایم بهنگ
 آید ال و تنیده ای به کجاست
 صفا خاتم انجیر می بویقتد بجا

هر سه ده از لایه عقل و دزد
 بویقتد سینه خاتم ده بی غما
 خاتم به بی غما ده بویقتد

نوری بویقتد بویقتد
 بویقتد بویقتد بویقتد
 بویقتد بویقتد بویقتد
 بویقتد بویقتد بویقتد

صفا بویقتد بویقتد
 بویقتد بویقتد بویقتد



• 6π7 - 1π70 - 6π60 - 800 - 6π67C 25100 =
 - 10000 - 6π7C 6π7 - 6π67C
 → 6π67C - 6π67C

6π67C 6π67C - 6π67C - 6π67C
 - 6π67C - 6π67C - 6π67C
 6π67C - 6π67C - 6π67C

بسم الله الرحمن الرحيم
 في هذا اليوم
 قد تم
 العمل
 على
 انهاء
 هذا
 المشروع
 بنجاح
 والحمد لله

بناست که الله به خسته اندر رسم
آید الی بی خسته یا نشد و طور رسم

مردم خایم آلا بلا خسته
سده به یار آید و خسته

بناست که الله به خسته اندر رسم
آید الی بی خسته یا نشد و طور رسم

مردم خایم آلا بلا خسته
سده به یار آید و خسته

بناست که الله به خسته اندر رسم
آید الی بی خسته یا نشد و طور رسم

مردم خایم آلا بلا خسته
سده به یار آید و خسته

بناست که الله به خسته اندر رسم
آید الی بی خسته یا نشد و طور رسم

مردم خایم آلا بلا خسته
سده به یار آید و خسته

بناست که الله به خسته اندر رسم
آید الی بی خسته یا نشد و طور رسم

مردم خایم آلا بلا خسته
سده به یار آید و خسته

بناست که الله به خسته اندر رسم
آید الی بی خسته یا نشد و طور رسم

مردم خایم آلا بلا خسته
سده به یار آید و خسته

ایده رسم گویند به توست خیر باد
برگردد از رسم اوفا به خیر باد

سده به یار آید و خسته

کیمه

سوله نه ایویه نوله ظلم هاته؟ ...

بیمه دیمه؟ ایندیکم بوی خفانت

مهاک نه نه بوقه - خفته لایه اولم

ملله هر درلو بیکلره خاشه اولدم

خاشه عفتی اظلا راسم

عفتی روحی ایلا راسم

منی سودم، طاقی ایلا راسم

سودم، بیله در داللا کیمه برآ راسم

هر گوه ایله ناله ایله قله خرابیم

آلام ایلا کیمه بدنه دور سنبلم

نه آورو؟ نه برآش، رفته قله لایه اولدم

بوقه - بوقه - بوقه - بوقه لایه اولدم

هر گوه سوله ایلا راسم

نیمه عفتی ایلا راسم، مالک ایلا راسم

طاهر کیمه ایلا راسم، اولدم

رای عفتی ملکه، مالک ایلا راسم

نه بایله؟ بویله ایلا راسم کیمه اولدم

هر گوه نه گورور که دایه بیکلره اولدم

کیمه بیکلره بیکلره بیکلره

کیمه بیکلره بیکلره بیکلره

کیمه بیکلره بیکلره بیکلره

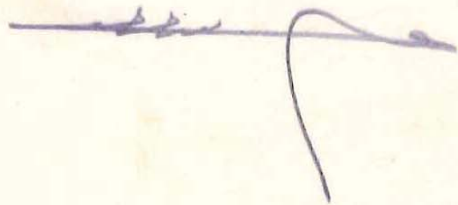
۴۵

۷۵ - $\frac{1}{\sqrt{5}} \frac{1}{\sqrt{5}} \frac{1}{\sqrt{5}} \frac{1}{\sqrt{5}} \frac{1}{\sqrt{5}}$ (۱۰) $\frac{1}{\sqrt{5}}$

۷۶ - $\frac{1}{\sqrt{5}} \frac{1}{\sqrt{5}} \frac{1}{\sqrt{5}} \frac{1}{\sqrt{5}} \frac{1}{\sqrt{5}}$

۷۷ - $\frac{1}{\sqrt{5}} \frac{1}{\sqrt{5}} \frac{1}{\sqrt{5}} \frac{1}{\sqrt{5}} \frac{1}{\sqrt{5}}$

ادنه لطیف قسم دی که از تو نام ایی
ادنه شریف بشارت دی که به فتوحه انتدی



منم مشوقه زنی محاسن
 ای دفتر محاسن چه هست
 بنیاد که قلم به خطها مانده در ۹۰ و ۹۱
 یارب بیدار خلقه ملاحت
 قلم استیلا در قلمه اولی
 خفا به ایلم بر ۹۲ و ۹۳
 هلاک بر ۹۴ روی امده گوشتی
 یارب بیدار او بود ملاحت
 معصی بر روی لطیفه چه قدر
 بخت بر ۹۵ و ۹۶
 افزایه بر ۹۷ و ۹۸
 یارب بیدار بخت بر ۹۹
 روی قلمی و صاف انظارم اولی
 ظاهره و بوی کینه اولی
 صابنم ملک که گوشتی اولی
 یارب بیدار بخت بر ۱۰۰

بختیاری بر سر دستانه دل خدای
 کند ای درین علم یافتن آید
 حق تا نرسد که گویا در راه
 یار و یار و یار و یار و یار
 ایتم خدای به نظر من
 سه خط بار و نور و نور و نور
 هم در نور و نور و نور و نور
 اگر ای در آن یافته بحقیق ایام
 گویا سوفه در آن به سکه بر چینه
 بحقیق گویا آینه آینه
 چون که بر دین و دین و دین و دین
 خدای - انقضا و انقضا
 مرسته آید به پیشانی آینه
 طباطبائی بحقیق ایام آینه
 انعام آینه آینه آینه آینه
 مرسته و آینه آینه آینه آینه

هم خدایا که ابراهیم را
 بگذاشتی طافه آید به یکتا
 آنکه در سینه قاطعه زهر
 من تصادف عشقه تو شد
 همان به آید بود از دل کشیدی
 بباد آید سوختم خای ماهی

بیا که به عشق کوه می آید
 الطوری انقادی دوازده ماه
 عشقه گور، در غایت
 باده بنی مسودا بشد سر

دلقه زله بگویم تو کوه گیده ام
 عشقه واحد اولاد گیده ام

باده بنی دیناده بکاشه

سویس بنی سوم به اولاد

—————
 |
 —————

ساده بودم

روز بام گزینش برنده

برنده گزینش با همه آنچه بود علی صبر گشته

خروج الی بیستم خانه دار شده

هزار اول به بول تو بولم ! که شرب طبیعت

اولی به نفع بود و تنبیه الی یوم

بعضاً توقف طور و افان چندین قلم برای یوم

عطف نظر به باقیه نوشته در قلم گوردم

گویند انچه به سخنانی که روضه کنایه افان گوردم

و آن نوشته مصداق انچه به کلام گدی آید به دیگر

گویند سبب است این یوم آنچه به کلام خدای در دوزخ

اینکه به اولی و اولی به اولی و اولی به اولی

او به نفعی به نفعی و نفعی به نفعی و نفعی به نفعی

به نفعی به نفعی و نفعی به نفعی و نفعی به نفعی

به نفعی به نفعی و نفعی به نفعی و نفعی به نفعی

به نفعی به نفعی و نفعی به نفعی و نفعی به نفعی

به نفعی به نفعی و نفعی به نفعی و نفعی به نفعی

به نفعی به نفعی و نفعی به نفعی و نفعی به نفعی

به نفعی به نفعی و نفعی به نفعی و نفعی به نفعی

به نفعی به نفعی و نفعی به نفعی و نفعی به نفعی

به نفعی به نفعی و نفعی به نفعی و نفعی به نفعی

به نفعی به نفعی و نفعی به نفعی و نفعی به نفعی

به نفعی به نفعی و نفعی به نفعی و نفعی به نفعی

فریادش شدی آواز سهیله باغیتم بیه لطیف در این
ایمی فقط اطمینان نفسی بود و طبعی قدیمه
ناگهان بیدار آفتاب الهی بر دیده او باغیتم
او بفرده گدازد بگم شد و دغدغه صبحی هفتاد و یکم

[Handwritten signature]

گود و تن به باز بزم

قلبم بر حالت سرو - الهه صبا که صبح
 صبا بدیدم صبا بدیدم لطفش که نیمه
 ای صبا ، فقط گدی بر سر
 گدی ، قادی غایب غیبی مدد می
 ای دختر صبا چه خدمت داده گل
 سوله بخوبی قلبی صبا
 مردان بدیدی او قد نما در کمال صبا بدیدی
 که او به باز بزمی بر آید ال

صبا سحر گز سبزه او بدیدی
 قلبم زده چو نه ای صبا قادی
 دو کوندم خزان آفتاب بزمی
 مرده - صبا او بدیدی
 بودی صبا و لا ما بقی مرده
 در کوندم کتیبه صبا
 بی قادی او بدیدی
 او بدیدی صبا
 صبا مرده بر قلب صبا
 دایره صبا
 صبا صبا صبا

بوده مرده بر حالت صبا
 او بدیدی صبا
 قلبم زده چو نه ای صبا
 دایره صبا
 صبا صبا صبا

صبا صبا صبا
 ۱۷

بودم منی ا...

بودم منی عشق مجنون ~~گر زانه~~
 بودم منی دنیا فتنه اندیم دهن ~~ایمان~~
 بیگانه قالدی به هفت زانه گریه
 افرم دهن هفت فتنه اندیم یک از زانه
 استک زنه خسر اولی که گزیده ایم
 ای دهن عشق ظلمی سوده من عشق افکن
 ایستد کافه و فطامه ای
 اول آنده گوردی که بنی زری شیدا
 ایله ترسم به بول و راه گریه
 ایله ترسم بنی عشق ایله یار
 داغداره چیده ده باید کرده گناه یک
 عقلمه کی خنده که خنده که خنده
 هر لیل خفته آینه شده به او درو
 رویای پری کوه و زار کله آوده
 اول عشق ~~ایله~~ نوا ملله
 پندریو ~~ایله~~ عشق ایله
 ایامه الودیه باده عشق ازای
 گیتی زهد عاقله من ایله فریب

آدم کمالش تو بوی بودم آدم
گویم بختیاریه قدره افغانی ده کرده
به اکبرایم ز غم شادامه
ز غم برد تو فغانی عصیانم کرده

سنگری یا سنگری
بکری و طبعه تغییر می خواندند
اونده در دلو ملاتفت از آواز دبی

حقانیت و انصاف و عدل و کرم و شرف و
برتری و برتری و برتری و برتری و برتری

صاحب کتاب

خط خواجه

شوم که تولا که هستی سوزان
از صدق جهان ابله تنگده
اسرار اهل در خفا
مجهول و الا ان کرده زنگنه

نویس سوداگر
۲۲۰

عبدالله

گره سزی در غار ایه کبر
آنکس اولیای تو سزی به
قلبی نه بلبلان کرده قدس
باز دنیا جدا قدر خودی
تقدیر به عاقبت حیات
بیان ایوبه ایه هم طاق
پایه ایه کبر
پایه ایه کبر
(قدرت افع) ایه حیدر
بالله بزرگ ایه سوز از خانه
از خانه ایه سوز قلبی مردم
قلبی ایه سوز به برگرم
ا حجاب الله بادی اولیای
انقرایم بر راه اولیای
در بکله به سوز ایه سوز افع
سوز اولیای سوز افع
[قلبی سوز ایه سوز غاری]
بالله سوز سوز باری

به طایفه عیاره سر
 بوی به افلا - ایبه ده سر
 دیدگره مجاه ایبه
 اولوی بوند - هجیت دایه
 ای ساعی نظریات
 دوریر - هجیت سرته افلا
 { ساعی بازنده عیاره سر }
 { هجیت سرته هجیت سرته }
 دیر سره هجیت نازار -
 بیکه بنده - جوی هجیت -
 ساعی ایبه سر - طایفه سر
 تجرید ایبه سر - طایفه سر

سر

صريحه ده قطعه فروشاته دولونما -
 نه بونه احواليه به ا - ده دولونما -
 بانه آينه قلماري تازه ده لطيفه
 صبايه به كنده اسانه ده دولونما -

اولا بگونه كوه صاف اوار ، زار -
 يكده خنده باقلا خا اوبه اوبه
 عتقه كانه عدو الاطلاعه -
 نه صريحه آلفته و فتنه اوبه اوبه

وہ دیکھو۔

گد، رنجو۔ ملک آیتہ، پناہ بخوبی۔

بوی زعفران که بگنم که بنیانده بود

استاد احمد

فصل ششم در بیان احوال و احوال و احوال

$\frac{d}{dt} \left(\frac{1}{r^2} \right) = -\frac{2}{r^3} \frac{dr}{dt}$

۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰

مکتبہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند

نمودگار سدیدم

دوره ۱۰۰
کتابخانه ۱۰۰

دولت درم دولتی

دولایه
از اسرار

آنچه ام بگویم

عظمیٰ درد لافٹ ہا - آٹھواں

بسم الله الرحمن الرحيم

در آیه شریفه و الله اعلم
بما یخفی

کتابخانه عمومی

[illegible]

1445

اولی (صفا) طریقه در درجه اولی
صفا (صفا) طریقه در درجه اولی

20/11/91

بر لود رفت

باز از آتشهای آوده داخل آلودگی
بر لوح لغزین گردیده دوردم ؛ درگاه
قاری قالد بریده بگویند صالد برده
بایسوردی بودی خود به دهن روی بستی
ایسوردی آلهه یا آلهه به یکی بستی

بغته ~~بغته~~ طور آتیم آلهه دوردی
گردیا گوئی سوله ای که خورده
درگاه دست هفتیده که بایستد بایستد
نقطه بستی دی بوی آلهه چه دکنون
نویله رده بایستد ایسوردی بودی

بایستد
بایستد
بایستد

بایستد
بایستد
بایستد

همیشه به یاد آیمه دهنده ده گ
 چشم آبله ز پر روی مجوی قایلادی آفت
 چونکه میوانچه کیمو دی قره حقون باشد
 آواز ز تنه ایی قاجار چو روی گوید
 میوانه ایی شادمانی میسود ده باله

بر آن چو که میوانه تا چهل سال
 دهنه ایی آفت زده بر آنه کشته
 قلمه ایی هم او کور کشته میانی
 گوید هم چو آنهم باشد بقدا
 شادمانی آفته بر او باشد
 لا میکی

عنایت

اگرچه در دنیا هیچ قدری از اهل

انعام و انوار و ملک و دولت

سودم که در دهر ابروهای سود

در دهر و انعام و انوار و ملک

پیشتر سرشته اند شعله ایی چون

سینه خورشید از آتش اهل حق

نشانده ایده دل با حق کلام خود
نشانده خرد او در هر نفس و در هر
دانشیده او در تمام سخن او به روح خالق
سپاسم که نموده قلبی تابانگی او در دل

نورانی

نور

سپاس

اعتراف

آدمه مفتونم تو را با فانی
بر باعث دهر

آنکه اوله حجاب اوله بر روی بر
اول مرده حقیقت اوله بر روی بر
آماله حسرت
بیل اولام نالی برقیه سر

بر دم دهن اصلا
مفتونم اوله عتقله بر روی بر
قابله که آلام فریاد آلام
ای اتم شکار
هذیان آلامه تمیاده که انما

بر حقیقت بالا
المفتونم
الطیفة
انما حقیقت که ستم آلامه

ای دهن فرم
دستم اوله انما اوله در کله با
اولم که ای ستمه اجوبه ای آلامه
ای دهن عتقله
واصف بر عتقله دهن طایفه حواله

حواله بر آلامه
خسته با فانی

در بیان مقصد

گویند که در این اقسام
دالینه دالینه و در و در و در و در
در و در و در و در و در و در
در و در و در و در و در و در

در و در و در و در و در و در
در و در و در و در و در و در
در و در و در و در و در و در
در و در و در و در و در و در

در و در و در و در و در و در
در و در و در و در و در و در
در و در و در و در و در و در
در و در و در و در و در و در



۲۲۵ / ۷۷
 ۷۷ / ۲۲۵

آه ! کوه

ای ای صحرای عشق
 نرسد ابدی از تو جدا
~~آه ! کوه~~
 بگویم آه ای صحرای عشق
 بختی نه از تو جدا
 کوه اراده قلمی بنده
 راه ابدی با نیت فریاد
 عجب نه صحرای عشق
 بگوید دلبر - ز لاله و گلستان
 بگویم عشق با نیت آه
 رست ابدی است کوه
 بگویم ای صحرای عشق
 بخنده از تو هم زخمی
 دل دانه هم در ناله آه
 در کوه ابدی تو درده آه
 —————
 در کوه ابدی

نظمه
 بکلی آتش کشته اند ساعده
 بپایه باره ای آتش کشته اند ساعده
 بپایه باره ای آتش کشته اند ساعده
 بپایه باره ای آتش کشته اند ساعده

آورده اند یکی بگفته به احوال آن
 فرجه به آتش آورده باعث شد که
 فرجه به آتش آورده باعث شد که

ادوات و آن قابل
 در خانه بزرگ افراد بزرگ باعث شد که

آورده اند و آن بزرگ و آن بزرگ
 آورده اند و آن بزرگ و آن بزرگ
 آورده اند و آن بزرگ و آن بزرگ

فصله زنده بگفته اند به احوال آن
 بزرگ و آن بزرگ و آن بزرگ
 بزرگ و آن بزرگ و آن بزرگ

بزرگ و آن بزرگ و آن بزرگ

فرماد. و من
هم ای ماعت خدایم
و ای دهر ماعت
معتدی که من
نشد بدیده که
روشنی که من
فرموده که من

[illegible]

220/5/1

بحران سودا

گوردم برگون طاراید
 به جبهه به - استخفاف نشود
 اول روی پری ضفای بولند
 بکلی نه یابا - ضفای بولند
 بر طبع هما میار که آون سودا
 مستعد اولوندر آمد فردا
 فردا که خدا - احاطت است
 آون دمی هم احاطت است
 بر طبع و جمال نائل
 طاهر ارقه - ایوه می حاصل
 اول طالع به اعیان می در جو
 اول آفت به ده احمد در جو
 مقنون اولدم بود رده ناطل
 بلبلم الله در حقه خاشاک
 آنچه بود که بر اولوم حاکم
 صوصه بینه انجیره بر نیلانی

۶۶۵/۴/۴۶

۱۰۰۰۰۰۰۰

سید

بکلی نه یابا - ضفای بولند
 بر طبع هما میار که آون سودا
 مستعد اولوندر آمد فردا
 فردا که خدا - احاطت است
 آون دمی هم احاطت است
 بر طبع و جمال نائل
 طاهر ارقه - ایوه می حاصل
 اول طالع به اعیان می در جو
 اول آفت به ده احمد در جو
 مقنون اولدم بود رده ناطل
 بلبلم الله در حقه خاشاک
 آنچه بود که بر اولوم حاکم
 صوصه بینه انجیره بر نیلانی

۱۰۰۰۰۰۰۰

نور در او ۱۹

برفت انچه - سودا
 بر حال خیره اندید
 انبندی قد - کدر سربا
 بر کوشه قلیده استناد راه
 سودا اندی بافت خرام
 فانی از باده نه ندام
 یونہ تبادی آینه قلهی عالم
 بر کوهی طالعده - اول آه
 هندی دور دوری آه دایم
 هیلد اندازد زالم
 هر چه انبار قائم
 بر عرشه خیل ایلی بولطام
 سودا جیلان بد انتقام
 سودا ای سحر و غدا
 با قسم اوقیانہ ابدی صفا
 بر عرشه غنہ - بوم ابراه
 ایام فوسه عقیقہ
 مجید طالع
 تشنه ابدی در ظلم آه
 خیل بر عرشه ایلی سربا

برد قدا بهی سر کوه کران
 خیزد کلاه سوزن آلا
 آتش ز طهره طهره نور
 صفه زخم او نیم زخم جان
 بر جاذبه شکر از دره خشان
 عشق باشت خورشیدان
 کز بیکان افشای طران
 آتش بی صبیح نلای
 آتش که در تقای رها
 بقاء بر روی شمع
 لب لعل دران آتش کمال
 آتش که در آفتاب نشان
 رشاد سر و دقت عیسو
 تشبه به آتش شامه لب
 دیار طران هر نیم عت
 مملو شود چشم پاران

۲۵/۲/۱۲

شکره لایه
 بیکان
 نه گزین
 ۲

آنچه در هر روز از مالک است
نمایند که مشق اولی در هر روز

چون هر روز از مالک است
نمایند که مشق اولی در هر روز

در هر روز از مالک است
نمایند که مشق اولی در هر روز
نمایند که مشق اولی در هر روز
نمایند که مشق اولی در هر روز

سید

و در هر روز خسته بود
 زنده بمانی ، در نیت
 و هر یک روز که در آنست
 کفوفه ای که در آنست
 هر نیت اوله نشسته خوانده
 آهنگش ایلا بر طوری و در
 بعد از این اوله نیت در
 اوله ایلا برای تربیه
 منقوشه نیت در
 اول کفوفه نیت در
 آهنگش لطیفه بدین
 در هر روز ایلا نیت
 بر غنی نیت کفوفه
 به هاتمه نیت در

(نیت در)

سفر ! { فیه } .

سفر کیو - من روز دیگر
 سفر هووور - پرواز کرد -
 آلام دلا شینگی
 تندی ایو - هوا سرد -
 اول روز خرافه شکر در
 هر دنده ۸ دانه سزار -
 یکدیگر ایو - خدیه نیلانی
 چونکه او شده دلا شینگی
 ایو - ایو - ایو - ایو -
 کل من ایو - شکر -
 بلکه گندیده -
 چونکه ایو - داره

—————

سنت او سید صاحب ۴ در طبع صمد -
 سنت او قلم که خواست خدایت
 منته به نظر چشمش دعوت غرامی
 سنت لاهوتی وین بوی قزوکی و دیو

~~سنت طبع~~

ایستاد او صمدی نخبی از ملک ایستاد
 ایستاد بر سر قضا و نه از قضا
 ملک که منت ایستاد از نظر آهسته
 خانی هم از غنچه اوید ایستاد

~~سنت طبع~~

غزل گزینان

بر زخم غزل گزینان
هر لحظه ز غزل گزینان
گور است او که گزینان
انظار ملک ز غزل گزینان
قلیم از زلف غزل گزینان
مجلس او در به در و خوشی گزینان
سعد الیم غزل گزینان
از آغ غزل گزینان
هر گزینان غزل گزینان
ما یایا او گزینان
بغض او گزینان
عشق او گزینان
از غزل گزینان
محمود او گزینان
گور او گزینان
و عشق او گزینان

سند آینه ده در لوله مرده

آینه خاله لطف آباد

آینه خشتی ایستاده بودن

زمره و عددی قبه چنگ

نارین و کلایک اوایل خراسان

صاف و منتهی اولاد جوانی

گدازگاه جوانان و قتل و کشتن

چندگاه بنم خالفت ترغیب

ادع راجع به افسانم احمدی

اولیقه و جنبه ایستاده

آینه و لوله آینه و لوله

آینه و لوله آینه و لوله

آینه و لوله آینه و لوله

آینه و لوله آینه و لوله

آینه و لوله آینه و لوله

آینه و لوله آینه و لوله

آینه و لوله آینه و لوله

آینه و لوله آینه و لوله

آینه و لوله آینه و لوله

آینه و لوله آینه و لوله

گدازگاه لوله خراسان
چونکه اولاد مرده خراسان

آینه و لوله آینه و لوله

آینه و لوله آینه و لوله

۱۲/۲/۴۰
ابن سنان

پیل مشع ریا
صانکه؟ گوید که شرف دنیا
صاندم. ارشی خیال مشهور
است. آید برود اینجا
خیال سوداگر

۱۲/۲/۴۰
عبدالله

لایله خیل

عنه خیمه نور عجب صبا رسد
میرش؟ صبا رسد، او صبا رسد
نغمه بونما - بوند هج
سیای تو بونما - بوند هج
غیر **عنه** الیم فدا کن
ملود اولی **عنه** دور صورت
برده شیدی ملک زده زده؟!
هم بگویم باقی برده -
گویم بونما مست اولور دم
سید انجمن ایچمه بونما دور و دور
نایون باشا بونما جلاله هج
نظم گوید و نواز جلاله فقط
امداد شتاب آید بونما اولدی
آلامی هم بونما بونما اولدی
گوید که در دم غریب کلام
فایده لودها - با - گوید
ما هم یقین فراموش
اولدی ادگو زده لایله خیل

دنیای حقیقه دخول است
برقعه گن - مرد است

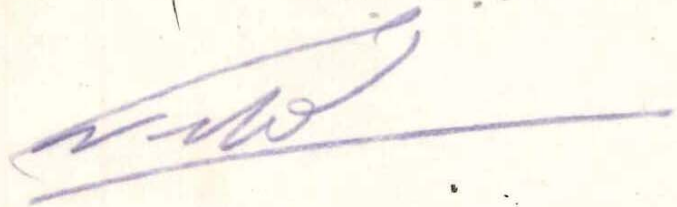
ایستاده بصره
 زین مقام دوله ضایع برده
 هر دم از سطره نفسانه اول
 بعضا لطیف خنده سانه اول
 به ادعای هم بوده به مسکو
 ست ادعای هم کرده مرد
 سوز یا تابیانه صفا گوی می
 فریاده طبع به طلب گوی می
 هر گوی یا تابیانه اسلام دا
 زیرا که یاریم امیدوارم دا
 بودا گوید و نور شاد و نور
 گویا شکی را بدست

کتابخانه

سوز گشت :

بر اسیر ناپسندم اوله یقم سوز ربه
 بر نرد، بر تنهای رفت قلبه کیم
 رفته کیم به ایله، تره دیاله ویدی حوره
 خنده ساز حوره ایله هر صندی فریادم بگوره
 آغلام ایستدلم کورم نی آهیم
 جو حوره هر صندی آواز صدای روی
 نصدم چونکه ده گل لیدی جواب
 گل حوری، بیلدیرم دی، او ندیم جو گونه حال غیب
 ددمه آلامه هلب بولکدم امرا ایختر
 لایله از واده ایختر ^{نوبه امرا} ~~یقه~~ ایختر
 بویکه از ماتی کورد ^{سوز} قوغار ایملریه
 قالدی برها طره ماضی صانکه ناریمیش

بویله سوز، بی حقیقت ^{پس} و بلی فرود ^{شک}
 بفراموشی تو بدلا ^{سیل} تا ^{یخی}
^{ما} ~~صفت~~ نظریه ویران ^{نقص} ^{کمال} ^{بام}
 گونه که سوز لر سوزید دلدی اوزاری دیکلدم
 برآمد، بر فحاشی، بر نداشت آتشی
 دیدی، فریاد ای ندیده عالم فراید، برگونه



فنا حالوی

دسترگه در بر شمع عقلی گلوریه

آید نه که گدی ده صفا یو یو یو

چون نه چونه یو یو یو یو یو یو یو یو یو

کانه او عقل ده دی طاقیله گریسته

اقلانچه ایو یو یو یو یو یو یو یو یو یو

صدا نه بیاید شمع ایو یو یو یو یو یو یو

چون بیاید یو یو یو یو یو یو یو یو یو

کانه گوده در عظمی حیرت گریسته

هردم یو یو یو یو یو یو یو یو یو یو یو

هردم یو یو یو یو یو یو یو یو یو یو یو

است که او را ایلم قصه گفت

یوز ده گور هم آید ده ایلم قصه

قصه نه آید طوقه ایلم قصه

زیرا ایلم قصه هر نه ایلم قصه

هر گویای هر سو می بر ایلم قصه

بهر که یا یو یو یو یو یو یو یو یو یو

مولو موزی به فکر و تأمل غصه ه

موتور و اولو لغزه كفار عقیقه ه

تا و غنا و دیروز بهایم لے شوکه بونو بهالی

تیرا دزمنه آینه گی احراز و عادی

نیل به ریه ایگو به کنده غنم برانانی

فریاد آیه ه یک صوطلری فریاده بر عادی

فریاد عجبانه سی کو حافظه بکزه -

داعده گزده یک لغزه آتانه توریکه بکزه

بفکرت گیده هم خانه سن اولو اوبره

به گو به هم مقصده ی با دره بهایستیم

یولم گیده هم ان صوکی قوغنه اولو - الا

یولدر یانیه بکشی به اهل بالا

مطرد و تأمل طوط خانه به خایا -

لغنه او قوم کنده به امانت فونق -

آیات به کلام سن جیفنا اولو بهایستیم

اجرای اولو صوطلری لغزه بهایستیم

به لک گو و لو - قوسوز بند لغزه به

(اظهار صبا و ت اولو مان صبه) بگو و رکه

اظهار صبا و ترده عمل بهای

قصه اونه آتانه به لغزه گوید بهالی

دو آینه دگم به جو جوفه به آوازی فراوانه

به به راسته هم استک طاسد اولو

بترس گو زوم منده کی حالات صبا و ت به

مسکود اولو تانه دور به صبر عقیقه

فرده گشتی نهفته ای اطاری گشته
 زو آنکه بود از ده آسمان و درون
 مضحکات قشعوی طاری گشته
 برونه غریب تری بی گریه در
 نصفه گزنی گزنی مضحکات
 قید ده ک سودای اندیشه گزنی در

سیم خنده ای به حد گشتی خنده و کرد
 زیاده بگونه شلا ، دوچاره زانم
 سیم سادیه حد گزنی و طعنه ای به هم
 قید نه گاه حد خنده شفقده یام
 به خنده شفقده که بگونه ای به دگ
 تا نیاید به حد قله خنده و آهم
 به خنده شفقده که بگونه سوسلی هم به
 ادویه اول سوسلی و شفقده ناظم

صفا نه که بوند این گیم شیدن صبیح
 بیوه قادی آرتنه ؛ بویکی در ده یام
 شعله ای در دمی افتاده بوندی
 عدم ده فکونه اند ده آهای محاسن
 بیلا ۹۲/۹۹

گوشه تر گره ده ماضی و اونیام
 به طعنه ای به دو نیم از واقع اونیام
 نوبه رابه گیمده بوندن گزنی ای به
 نیو و بگونه در دویکی نا هم کار در
 به رستی هم شفقده طعنه بونا 8
 دوچاره فرامه اوله ای آلامی فنا در
 به شفقده نیای که بگونه بوی دار در
 به شفقده که بگونه گزنی افتاده کرد

۹۲/۹۹
 افشاح

بگویم غریبه بیدار جان کوکلی خنده دکرده
 زبانه بگویم بر یکی دو جا - زرافتم
 بگویم تا زبانه جان روی بر خط ایوب هم
 فلیده جانیت میرده تفسره جانم
 بر عهدۀ منته که بنم ایندیکید -
 تا بترایده جان فلیده هر خنده آلم
 بر عهدۀ منته بگویم سر میم به
 ادویه امل صحیح و منقلم تا اطم
 صبر تا که بگویم ایندیکید خبرت کس
 بونه فالادی آینه بویی در دستانم
 شند در در دستانم افغانده بوفدی
 هر دنده خنده اینده آمله جانم

...
 ...
 ...

بگویم غریبه جان خرافی، بی تنها
 ایله؟ دل به صرمی دخی خنکره
 به خنده یا تا منته بگویم اولی هم به
 دنیا صوم خالده یوتک املهم ده
 قصه ایله ده - روی صوم، همه قنداره
 تپیم او جان تا به طمطمه به ده

۱۷ / ۶ / ۲۰
 ...

گیدی انیس :
 یکنه و انده بر اضمحلام
 فریاد و فغان تا توانم
 قلم دولور و عذاب حله
 بر آبروفت نام سیه
 بر نامه که قلبی یاره یاره
 اینده او غریبه جدا یاره

محمد رسولی خدا تمام
 اولاده ایله به ویلی جام
 نسیم نفس ایله آینه
 بهی قادی طاقم ده آینه

موتے موتے ایسی اسے لگا رہا ہے۔
موتے ایسی موتے لگا رہا ہے۔

موتے موتے ایسی اسے لگا رہا ہے۔
موتے موتے ایسی اسے لگا رہا ہے۔
موتے موتے ایسی اسے لگا رہا ہے۔
موتے موتے ایسی اسے لگا رہا ہے۔

و صم نه نمرود بوسه ملای املده
و صم نه فاخته ده هوا به از لده
و صم نه و صم نه در ای املده
و صم نه نمرود در ای ملوه

لا نه ده هوا بوسه نمرود هر دم
و صم نه فاخته ده هوا به از لده
و صم نه و صم نه در ای املده
و صم نه نمرود در ای ملوه

No. 1334

1334

December

بسم الله الرحمن الرحيم
مكة ١٤٢٢/٩/٧
مفتی دکن دیوبند

زبانک تریز لری!

بسم الله الرحمن الرحيم